



Munich Personal RePEc Archive

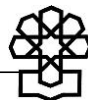
Diagnosing Binding Constraints on Economic Growth

Mirjalili, Seyed hossein

Institute for Humanities and Cultural Studies

24 January 2016

Online at <https://mpra.ub.uni-muenchen.de/126195/>
MPRA Paper No. 126195, posted 17 Sep 2025 16:37 UTC



چگونگی شناسایی تنگنای رشد اقتصادی (نقد روش‌های مرسوم و معرفی روش آسیب‌شناسی رشد)

چکیده

چرا کشورها علیرغم هدفگذاری، به نرخ‌های رشد اقتصادی مدنظر نمی‌رسند؟ چه مسیری پیش پای سیاستگذار وجود دارد که براساس آن بتوان از دام نرخ‌های رشد پایین رها شد و موانع نرخ رشد بالا در بلندمدت را مرتفع کرد؟ این گزارش پاسخی به دو پرسش مذکور است. در این گزارش ضمن مروری بر سه روش مرسوم در تحلیل رشد اقتصادی و نقد آنها، از مزایای روش «آسیب‌شناسی رشد» استفاده شده است. این روش که از سال ۲۰۰۵ تاکنون با کمک اساتید برجسته دانشگاه هاروارد توسعه یافته، در کشورهای متعددی نیز آزمون شده و کارآمدی خود را نشان داده است. در نتیجه کاربست این روش مشخص خواهد شد:

الف) چه میزان از رشد پایین ناشی از بازده پایین فعالیت اقتصادی بخش‌ها و چه میزان ناشی از هزینه بالای تأمین مالی است.

ب) چه میزان از بازده اجتماعی پایین ناشی از جغرافیای ضعیف یا مشکل سرمایه انسانی یا زیرساخت‌هاست.

ج) چه میزان از بازده پایین فعالیت اقتصادی ناشی از شکست دولت یا شکست بازار است.

د) شکست دولت تا چه میزان ریشه در ریسک‌های خرد (حقوق مالکیت، فساد مالی، مالیات و بیمه نیروی کار) دارد و چه قدر در ریسک‌های کلان (بی‌ثباتی مالی، پولی،

بودجه‌ای و سلطه مالی).

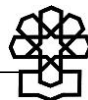
ه) شکست بازار تا چه میزان به‌خاطر آثار جانبی هماهنگی یا انحصار است و تا چه حد ناشی از آثار جانبی اطلاعات.

با هدف کمک به تحقق نرخ رشد ۸ درصدی اقتصاد ایران به‌عنوان یکی از اهداف کلان برنامه ششم توسعه، این گزارش پیشنهادهایی را برای بهره‌گیری نظام برنامه‌ریزی کشور از مزایای روش آسیب‌شناسی رشد ارائه داده است.

مقدمه

یکی از چالش‌های کنونی اقتصاد ایران، پایین بودن میزان رشد اقتصادی است که آثار خود را در میزان بیکاری دو رقمی و درآمد سرانه پایین (فقر درآمدی)، نشان داده است. در گزارش پژوهشی دیگری تحت عنوان «چگونه می‌توان به رشد هشت درصد دست یافت: مروری بر تجربه سیزده کشور»، به بیان امکان‌پذیری رشد هشت درصدی پرداخته و تجربه و سیاست‌های سیزده کشور موفق در دستیابی به رشد اقتصادی هشت درصد طی چند دهه را تبیین خواهیم کرد. سؤالی که در این پژوهش به آن می‌پردازیم این است که اگر تنها آن سیاست‌های اقتصادی را در استراتژی رشد خود به‌کار بگیریم و تدابیر مکمل دیگری اتخاذ نکنیم، آیا به رشد هشت درصد دست خواهیم یافت؟ به‌نظر می‌رسد پاسخ مثبت نباشد. دلیل آن پیچیده نیست.

براساس مطالعات موجود، میانگین نرخ رشد اقتصادی ایران در دوره چهار ساله (۱۳۵۳-۱۳۹۳)، ۲/۱ درصد و نرخ رشد سرمایه‌گذاری ۳/۷ درصد بوده است، درحالی که سیاست‌های پیشنهادی طی چند دهه گذشت، کم و بیش در اقتصاد ایران به کار گرفته شده است ولی



نتیجه مورد انتظار مانند کشورهای موفق در دستیابی به رشد هشت درصد حاصل نشده است؟ «فرضیه‌ای» که با توجه به شرایط خاص کشورهای در حال توسعه و به‌ویژه اقتصاد ایران، می‌توان مطرح کرد این است که «تنگناها و موانع دست‌وپاگیر برای سرمایه‌گذاری و تولید، مانع تأثیرگذاری سیاست‌های اقتصادی برای ایجاد و تداوم رشد اقتصادی است». به‌نظر می‌رسد مادی که تنگناها و موانع دست‌وپاگیر برای سرمایه‌گذاری و تولید، برطرف نشود، دستیابی به رشد هشت درصد، ممکن‌الحصول نیست. بنابراین گزارش پژوهشی حاضر به عنوان «مکمل» گزارش قبلی، به ارائه «روش شناسایی تنگنای رشد اقتصادی» از دیدگاه محققان دانشگاه هاروارد، می‌پردازد.

مطالعات برنامه ششم، به تحلیل رشد اقتصادی چهار دهه گذشته (۱۳۵۳-۱۳۹۳) با استفاده از رگرسیون رشد اقتصادی، حسابداری رشد و مقایسه با شاخص‌های بین‌المللی می‌پردازد. این‌گونه تحلیل رشد اقتصادی، بر نظریه رشد متمرکز می‌شود و به عوامل مؤثر بر رشد می‌پردازد. در این مطالعات، تنگنای رشد اقتصادی، شناسایی نمی‌شود. نظریه رشد، یک نظریه کلی است و هر کشور یک نمونه است، در حالی که موضوع «آسیب‌شناسی رشد»^۱ اساساً یک کشور خاص است.

در این گزارش، پس از نقد روش‌های مرسوم و مورد استفاده در مطالعه رشد اقتصادی در برنامه ششم، به معرفی روش آسیب‌شناسی رشد می‌پردازیم. نکته مهم در این نقد و معرفی، آن است که روش آسیب‌شناسی رشد، مکمل روش‌های مرسوم مطالعه رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه است و جایگزین آن نمی‌باشد.

۱. روش‌های مرسوم برای تحلیل رشد اقتصادی

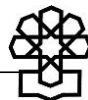
سه روش مرسوم برای شناسایی عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی عبارتند از:

- اول، رگرسیون رشد کشور
 - دوم، حسابداری رشد
 - سوم، مقایسه با معیارهای (رتبه‌بندی‌های) بین‌المللی
- هر سه روش، با محدودیت‌ها و نقدهایی مواجه است.

الف) رگرسیون رشد کشورها ابتدا توسط بارو (۱۹۹۱) پیشنهاد شد و به دنبال یافتن عوامل مؤثر بر رشد بود. سالامارتین (۱۹۹۷)، تعداد زیادی از این رگرسیون‌ها را برای کشورها اجرا کرد. در این روش، متغیر تابع، نرخ رشد و متغیرهای مستقل، لگاریتم سطح درآمد و سایر متغیرهای توضیحی (جغرافیایی، نهادی، جمعیتی و سیاستی) بودند.

نقد) این رگرسیون‌ها فرض می‌کنند که پارامتر برآورد شده برای تمام کشورهای مورد بررسی (۱۳۰ کشور)، یکسان است. درحالی که آن پارامتر ممکن است خیلی ناهمگن باشد و وابسته به مجموعه‌ای از متغیرهای دیگر باشد که در رگرسیون نیامده است. نقد دیگر در مورد سیاست فعال دولت است. وقتی سیاست دولت به طور سیستمی به اهداف اقتصادی پاسخ می‌دهد، رگرسیون رشد که در آن رشد اقتصادی تابعی از سیاست‌های اقتصادی اتخاذ شده است، هیچ چیزی در مورد اثربخشی سیاست‌های اعمال شده نمی‌گوید.

ب) حسابداری رشد:^۱ به تجزیه رشد اقتصادی یک کشور برحسب نقش عوامل



تولید (سرمایه و نیروی کار) می‌پردازد و باقیمانده آن از رشد محقق شده، منتسب به «بهره‌وری کل عوامل تولید»^۱ می‌شود. (باقیمانده سولو). حسابداری رشد مبتنی بر دو فرض است:

اول، بازدهی ثابت به مقیاس تولید

دوم، رقابت کامل (هیچ اختلالی وجود ندارد)

نقد اول این است که فرض بازدهی ثابت به مقیاس تولید، نقطه مقابل مدل‌های رشد درونزا است که مبتنی بر نوعی بازدهی فزاینده است. افزون بر آن در عمل، رقابت ناقص وجود دارد.

نقد دوم این است که در این روش، سرمایه، با محاسبه سرمایه انباشته شده و استهلاک آن، اندازه‌گیری می‌شود. اما این روش با واقعیت فاصله دارد، زیرا بسیاری از سرمایه‌گذاری‌ها، یا ناکارآمد و اتلاف‌آمیز هستند، یا اینکه کهنه و قدیمی هستند، به گونه‌ای که بسیار متفاوت از میزان استهلاک در نظر گرفته شده هستند.

نقد سوم این است که این تجزیه، به عواملی بستگی دارد که در نظر گرفته شده است. در کشورهایی که رشد آنها متکی به منابع (مانند نفت) است، نقش این عامل (مانند نفت) در بهره‌وری کل عوامل تولید، ظاهر می‌شود، مگر آنکه صریحاً در حسابداری رشد، در نظر گرفته شود.

نقد چهارم این است که خطاهای اندازه‌گیری سهم کار و سرمایه در باقیمانده ظاهر می‌شود که ما آن را بهره‌وری کل عوامل تولید می‌نامیم.

نقد پنجم این است که بخش عوامل تولید و بخش باقیمانده (بهره‌وری) به هم مرتبط

1. Total Factor Productivity (TFP)

هستند و نمی‌توان این دو بخش را از یکدیگر مستقل دانست.

ج) مقایسه با معیارهای بین‌المللی: استفاده از رتبه‌بندی‌های بین‌المللی مانند:

شاخص‌های توان رقابت در سطح بین‌المللی، میزان فساد مالی، شاخص‌های فضای کسب‌وکار و ارزیابی فضای سرمایه‌گذاری از طریق پیمایش شرکتی و شاخص‌های حکمرانی، به مقایسه وضعیت عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی هر کشور در مقایسه با سایر کشورها می‌پردازد. جدول ۱ عنوان شاخص، آدرس سایت و شرح شاخص را ارائه می‌کند.

جدول ۱. برخی شاخص‌های بین‌المللی

۱. پیمایش شرکتی برای فضای سرمایه‌گذاری

www.enterprisesurvey.org

پیمایش شرکتی در بیش از صد کشور در حال توسعه انجام شده است. این شاخص ترکیبی از شاخص‌های ذهنی (مانند رتبه‌بندی محدودیت‌ها) و شاخص‌های عینی (مانند دفعات قطع برق در سال گذشته) است.

۲. شاخص‌های فضای کسب‌وکار

www.doingbusiness.org

داده‌ها در مورد کارآیی و هزینه مقررات کسب‌وکار در کشورهای مختلف است.

۳. شاخص‌های توان رقابت

www.gcr.weforum.org

پیمایش کسب‌وکار در ۱۳۱ کشور در حال توسعه و توسعه‌یافته شامل شاخص بهداشت و آموزش، نهادها، زیرساخت و کارآیی بازار.

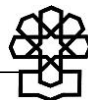
۴. شاخص فساد مالی

www.transparency.org

رتبه‌بندی ۱۸۰ کشور برحسب موارد فساد مالی

۵. شاخص‌های حکمرانی

www.govindicators.org



شاخص‌های مبتنی بر پیمایش برای پاسخگویی، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، کیفیت مقررات، کنترل فساد مالی و اثربخشی دولت شاخص‌های مذکور در جدول ۱، یک شاخص مرکب است و شامل محورهایی است. هر یک از محورها نیز از زیرشاخص‌هایی تشکیل شده است. جدول ۲ محورهای شاخص توان رقابت را نشان می‌دهد. جدول ۳، زیرشاخص‌های محور نهادها در شاخص ترکیبی توان رقابت در سطح جهانی را نشان می‌دهد.

جدول ۲. محورهای توان رقابت در گزارش جهانی توان رقابت سال ۲۰۰۷-۲۰۰۸

۱. نهادها ۲. زیرساخت‌ها ۳. ثبات اقتصاد کلان ۴. بهداشت و آموزش ابتدایی ۵. آموزش عالی و حرفه‌آموزی ۶. کارآیی بازار کالا ۷. کارآیی بازار کار ۸. آمادگی فناوریانه ۹. اندازه بازار ۱۰. پیچیدگی کسب‌وکار ۱۱. نوآوری ۱۲. پیچیدگی بازار مالی

جدول ۳. زیرشاخص‌های محور نهادها در شاخص توان رقابت در سطح جهانی

۱. مالکیت فکری ۲. حمایت از حقوق مالکیت ۳. شفافیت سیاستگذاری دولت ۴. استقلال قضایی ۵. کارایی چارچوب قانونی ۶. نفع‌طلبی در تصمیمات مقامات دولتی ۷. وجود جنایت سازمان یافته ۸. حمایت از منافع سهام‌داران جزء ۹. اعتماد عموم به سیاستمداران ۱۰. انحراف وجوه عمومی ۱۱. قوت حسابرسی و استانداردهای گزارش‌دهی ۱۲. هزینه‌های کسب‌وکار تروریسم ۱۳. اثربخشی هیئت‌مدیره شرکت‌ها ۱۴. رفتار اخلاقی بنگاه‌ها ۱۵. هزینه‌های کسب‌وکار جرم و اغتشاش ۱۶. اتلاف مخارج دولتی ۱۷. قابلیت اتکای خدمات پلیس ۱۸. بار مقررات دولتی

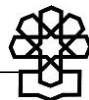
نقد: اندازه‌گیری عملکرد به طریق مقایسه‌ای مفید است و عملکرد نسبی را نشان می‌دهد. اما جنبه‌های مهمی وجود دارد که مفید بودن آن را مشروط می‌کند، ازجمله

اینکه اغلب رتبه‌بندی‌های بین‌المللی براساس روش کیفی در پیمایش است، لذا نظر و قضاوت مصاحبه‌شوندگان، آن را تعیین می‌کند. به کیفیت شاخص‌ها، توجه لازم نمی‌شود. علاوه بر آن اصولاً سنجش شاخص‌هایی مانند: کیفیت نهادی، اعتماد عمومی به سیاستمداران و بار مقررات دولتی و نفع‌طلبی سیاستمداران، چقدر دقیق امکانپذیر است و چقدر امکان کمی شدن دارد؟

روش دیگری که در این قبیل شاخص‌ها استفاده می‌شود، محاسبه میانگین ساده چند شاخص برای دستیابی به شاخص مرکب است. برای مثال، میانگین استقلال قضایی و رفتار اخلاقی بنگاه‌ها و ائتلاف مخارج دولتی، محاسبه می‌شود. میانگین این موارد چقدر معنادار است؟ اگر میانگین وزنی نیز محاسبه شود، وزن شاخص‌ها، دلخواه است.

اصولاً مشکل روش‌شناختی هر شاخصی این است که تنها یک بُعد را نشان می‌دهد. برای کاهش تک‌بعدی بودن، میانگین شاخص‌ها محاسبه می‌شود. اما این اقدام مبتنی بر فرض خطی بودن و قابلیت جداسازی در ساخت شاخص‌هاست. خطی بودن تمام ابعاد شاخص را جایگزین یکدیگر می‌کند. درحالی که در واقع چنین نیست. زیرا طبق این روش، کاهش یک شاخص تشکیل‌دهنده شاخص مرکب، با افزایش شاخص دیگر، برطرف می‌شود، حال آنکه در واقعیت، یک مانع می‌تواند اخلال در کسب‌وکار ایجاد کند، هر چند شاخص دیگر، افزایش یابد.

در گزارش جهانی توان رقابت و گزارش ارزیابی فضای سرمایه‌گذاری، از مصاحبه‌شوندگان خواسته می‌شود که موانع بالقوه برای فعالیتشان را رتبه‌بندی کنند. مشکلی که وجود دارد این است که نمونه انتخاب شده از بنگاه‌های موجود، یک نمونه تورش‌دار است نسبت به نمونه بنگاه‌هایی که وجود می‌داشت اگر محدودیت‌ها نبودند.



بنگاه‌های موجود ممکن است به دلیل ارتباطات سیاسی، وجود داشته باشند، یا به دلیل اینکه بخشی از یک «تجمع»^۱ مالی یا یک هولدینگ هستند، یا اینکه از مالیات‌ستانی معاف شده‌اند و لذا کمتر با مسئله اداره امور، تأمین مالی یا مالیات‌ستانی مواجه‌اند.

افزون بر آن، روش رگرسیون رشد و رتبه‌بندی بین‌المللی، با جمع زدن متغیرهای طرف راست، به‌طور ضمنی، خطی بودن و قابلیت جداسازی را فرض می‌کند. این دلالت دارد بر اینکه متغیرها، جایگزین هستند: عملکرد ضعیف در یک متغیر می‌تواند با عملکرد بیشتر در متغیر دیگر، جبران شود. در این روش‌ها، آسیب‌شناسی انجام نمی‌شود، زیرا اقدام در هر جهت دارای اثر مساوی در نتیجه است و این موضوع در مورد تمام کشورها صادق است.

به‌رغم وجود مسائلی در ساختن و کاربرد رتبه‌بندی‌های بین‌المللی، رگرسیون‌های رشد و حسابداری رشد، این شاخص‌ها مفید هستند، اما نمی‌توانند به آسیب‌شناسی رشد اقتصادی یک کشور خاص بپردازند. از این‌رو محققان دانشگاه هاروارد به معرفی روش آسیب‌شناسی رشد پرداختند.^۲

۲. روش آسیب‌شناسی رشد

چارچوب آسیب‌شناسی رشد توسط محققان دانشگاه هاروارد (هاسمن-رودریک-ولاسکو-کلینگر-واگنر) در ۲۰۰۵، ۲۰۰۸، ۲۰۱۰ و ۲۰۱۳ پیشنهاد شد. رویکرد آسیب‌شناسی رشد مبتنی بر ایده است که عوامل متعددی وجود دارد که چرا یک اقتصاد رشد نمی‌کند.

1. Conglomerate

2. Ricardo Hausman, Bailey Klinger and Rodrigo Wagner, (2008), "Doing Growth Diagnostics in Practice: A Mindbook", CID working paper 177, pp.5-16.

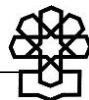
همان‌طور که عنوان مقاله معروف رودریک در زمینه آسیب‌شناسی رشد است، اصولاً در مورد یک اقتصاد دچار کم‌رشدی، قبل از «تجویز» کردن و نسخه پیچیدن، ابتدا باید «آسیب‌شناسی» کرد.^۱

روش آسیب‌شناسی رشد، براساس مسیر «درخت تصمیم»^۲، به شناسایی مهمترین «تنگناهای رشد اقتصادی» یک کشور می‌پردازد و «اولویت‌های» استراتژی رشد یک کشور را شناسایی می‌کند که همانا هدف گرفتن رفع محدودیت‌های دست‌وپاگیر است، به‌جای آنکه به‌دنبال رفع فهرست طولانی تنگناها و محدودیت‌های رشد باشیم که عملاً به موانع سیاسی - اقتصادی و ساختاری برخورد می‌کنند و متوقف می‌گردد. علاوه بر آن، «محدودیت» منابع مالی و انسانی یک کشور، عقلاً حکم می‌کنند که منابع محدود خود را صرف مواردی کنند که بیشترین تأثیر بر رشد داشته باشد. رفع محدودیت‌های دست‌وپاگیر و تنگناهای رشد، چنین نقش چشمگیری بر رشد دارد. باید توجه داشت که هر چند اصلاحات نهادی، اهمیت دارد، ولی برای «تداوم» رشد، اصلاحات نهادی مهم است. برای «ایجاد» (شروع) رشد اقتصادی، شناسایی و رفع تنگناهای رشد، ضروری است. موضوعی که مطرح می‌شود این است که در یک کشور درحال توسعه، محدودیت‌های رشد، زیاد است. اما نکته مهم این است که تمام محدودیت‌ها، دست‌وپاگیر نیستند. روش آسیب‌شناسی رشد به‌دنبال شناسایی محدودیت‌های دست‌وپاگیر برای رشد اقتصادی است. محدودیت‌های دست‌وپاگیر، به سادگی قابل رفع نیستند.

روش آسیب‌شناسی رشد، یک روش تحلیلی برای شناسایی مهمترین محدودیت‌های

1. Dani Rodrik, (2010), "Diagnostics before Prescription", Journal of Economic Perspectives, Vol.24, No.3, pp.33-44.

2. Decision Tree Method



دست‌وپاگیر که مانع رشد اقتصادی در یک کشور خاص و یک زمان خاص می‌شود را مطرح می‌کند. آسیب‌شناسی رشد به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا سیاست‌هایی را طراحی کنند که این سیاست‌ها به رفع مهم‌ترین محدودیت‌های دست‌وپاگیر، با در نظر گرفتن عوامل مرتبط (همچون شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور) می‌پردازد. آسیب‌شناسی رشد، ابزار مفیدی برای تهیه استراتژی رشد در کشورهای در حال توسعه است. این آسیب‌شناسی مبتنی بر اقتضانات و شرایط خاص کشور به طراحی برنامه توسعه کمک می‌کند و اولویت‌های اصلاحات اقتصادی را براساس تنگنای رشد کشور مشخص می‌کند.

در نمودار ۱، درخت تصمیم برای آسیب‌شناسی رشد، نشان داده شده است.

نمودار ۱. درخت تصمیم برای آسیب‌شناسی رشد

مسئله رشد: سطوح پایین سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و کارآفرینی



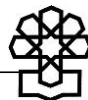
سطح پایین سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و کارآفرینی ناشی از دو علت است: بازدهی پایین فعالیت اقتصادی یا هزینه بالای تأمین مالی.

الف) در صورتی که سطح پایین سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و کارآفرینی ناشی از هزینه بالای تأمین مالی باشد، آن نیز به نوبه خود ناشی از تأمین مالی داخلی بد یا تأمین مالی خارجی بد است. تأمین مالی داخلی بد نیز ناشی از پس‌انداز داخلی ضعیف یا واسطه‌گری مالی ضعیف است.

ب) در صورتی که سطح پایین سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و کارآفرینی، ناشی از بازدهی پایین فعالیت اقتصادی باشد، بازدهی پایین فعالیت اقتصادی ناشی از بازدهی اجتماعی پایین یا قابلیت تملیک پایین است. بازدهی اجتماعی پایین ناشی از جغرافیای ضعیف، سرمایه انسانی پایین یا زیرساخت بد است.

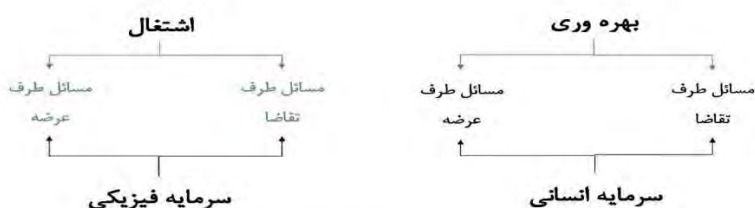
ج) در صورتی که بازدهی پایین فعالیت اقتصادی ناشی از قابلیت تملیک پایین باشد، قابلیت تملیک پایین ناشی از نارسایی دولت یا نارسایی بازار است. اگر قابلیت تملیک پایین ناشی از نارسایی دولت باشد، آن هم به نوبه خود ناشی از ریسک‌های خرد یا ریسک‌های کلان است. اما اگر قابلیت تملیک پایین ناشی از نارسایی بازار باشد، به‌خاطر آثار جانبی ناشی از اطلاعات (خودکشی) یا به‌خاطر آثار جانبی هماهنگی است.

از آنجا که محدودیت دست‌وپاگیر ممکن است سطح پایین سرمایه‌گذاری نباشد، بلکه تخصیص ناکارآمد یا کیفیت آن باشد، برای بررسی کارآفرینی، رودریک (۲۰۱۰: ۳۶) درخت تصمیم دیگری ارائه می‌کند که رتبه‌بندی بالاتری دارد و شامل موانع بالقوه در عرضه و تقاضای نه تنها سرمایه‌گذاری فیزیکی، بلکه سرمایه انسانی، اشتغال و بهره‌وری است.



نمودار ۲. از نظریه رشد تا آسیب‌شناسی سیاست رشد مسئله رشد: سطح پایین بازدهی خصوصی و کارآفرینی

(محصول/درآمد)



بازدهی خصوصی پایین و بنابراین تقاضای ناکافی برای سرمایه‌گذاری ناشی از:
نارسایی دولت: مالیات بالا، حمایت ضعیف از حقوق مالکیت یا قراردادهای فساد مالی، بی‌ثباتی کلان و تورم و ...

نارسایی بازار: نارسایی بازار محصول (نارسایی در هماهنگی، آثار جانبی یادگیری و سرایت و...)

مسائل در سایر بازارها: سطح ناکافی سایر نهاده‌ها در تابع تولید (سرمایه انسانی، اشتغال، فناوری و جغرافیای ضعیف)

رویکرد آسیب‌شناسی رشد، اثر اصلاحات سیاست اقتصادی در کشورهای درحال توسعه را بر اثربخشی رشد، افزایش می‌دهد.

پرسش کلیدی در آسیب‌شناسی رشد این است که چگونه می‌توان «محدودیت

دست‌وپاگیر»^۱ را شناسایی کرد؟

پاسخ این پرسش این است که اگر یک محدودیت دست‌وپاگیر باشد، آنگاه:

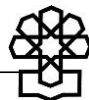
۱. قیمت (سایه) آن محدودیت، باید بالا باشد. (اصل بنیادین برای شناسایی محدودیت‌های دست‌وپاگیر، قیمت سایه است. زیرا درجه دست‌وپاگیر بودن در قیمت سایه متبلور می‌شود) (مثال: هزینه بالای دسترسی به تأمین مالی)

۲. جابجایی در این محدودیت، باید جابجایی چشمگیر در تابع هدف ایجاد کند (کاهش هزینه تأمین مالی - افزایش سرمایه‌گذاری).

۳. کارگزاران اقتصادی در حال تلاش برای غلبه بر محدودیت هستند یا اینکه این محدودیت را دور می‌زنند.

۴. کارگزارانی که کمتر (بیشتر) دچار آن محدودیت هستند، احتمال بیشتری (کمتری) دارد که در آن فعالیت باقی بمانند و رشد کنند.

بنابراین اگر مقررات بازار کار یک محدودیت دست‌وپاگیر باشد، آنگاه انتظار داریم اشتغال غیررسمی، بیش از حد معمول وجود داشته باشد. اگر دسترسی به برق یک محدودیت دست‌وپاگیر باشد، آنگاه انتظار داریم بسیاری از مشاغل، از مولد برق خودشان استفاده کنند. اگر نااطمینانی نسبت به ثبات پولی به عنوان یک محدودیت دست‌وپاگیر باشد، آنگاه انتظار داریم دلاری شدن و استفاده از قراردادهای شاخص‌بندی شده نسبت به تورم، وجود داشته باشد. اگر ناتوانی در هماهنگی برای کشف فعالیت جدید، یک محدودیت دست‌وپاگیر باشد، آنگاه انتظار داریم ادغام عمودی در کسب‌وکار موفق جدید، وجود داشته باشد و گروه‌های صنعتی در مطالعه امکان‌پذیری برای بازارها و بخش‌های



جدید از اشتراک در هزینه‌ها استفاده کنند. اگر قابلیت تصاحب پایین ناشی از مالیات‌های بالا، یک محدودیت دست‌وپاگیر باشد، آنگاه انتظار داریم استفاده از پول در معاملات کسب‌وکار، زیاد باشد.

۳. آسیب‌شناسی رشد اقتصادی کشورها توسط بانک جهانی

دوازده کشور که مطالعات آسیب‌شناسی رشد آنها روی سایت بانک جهانی موجود است، عبارتند از:

۱. ارمنستان، ۲. بنگلادش، ۳. برزیل، ۴. مصر، ۵. ماداگاسکار، ۶. تانزانیا، ۷. دولت‌های بالتیک، ۸. بولیوی، ۹. کامبوج، ۱۰. هند، ۱۱. مغرب و ۱۲. تایلند. این مطالعات براساس روش آسیب‌شناسی رشد محققان دانشگاه هاروارد انجام شده است.

مراحل چهارگانه بانک جهانی برای آسیب‌شناسی رشد کشورها عبارتند از:

مرحله اول: بررسی عوامل مؤثر بر رشد و محدودیت‌های رشد کشور:

رشد = ضریب (قابلیت تصاحب بازدهی * بازدهی اجتماعی) - هزینه تأمین مالی

در این مرحله براساس اطلاعات کشور بررسی می‌شود که کدام یک از عوامل: قابلیت تصاحب خصوصی، بازدهی اجتماعی و هزینه تأمین مالی، بیشترین محدودیت برای رشد اقتصادی است. بدین منظور به پرسش‌های زیر پاسخ داده می‌شود.

سؤال ۱: آیا علت بازدهی اجتماعی پایین، سرمایه ناکافی در عوامل مکمل تولید

(سرمایه انسانی، رموز کار فنی، زیرساخت‌ها یا جغرافیای ضعیف) است؟

سؤال ۲: آیا قابلیت تصاحب خصوصی پایین، ناشی از مالیات بالا، حقوق مالکیت

ضعیف و اجرای ضعیف قراردادهاست؟ یا ناشی از تضاد کارفرما-کارگر است؟ یا ناشی از

آثار جانبی و ناهماهنگی است؟

سؤال ۳: آیا هزینه بالای تأمین مالی ناشی از پس‌انداز پایین است؟ یا ناشی از واسطه‌گری مالی ضعیف است؟ یا ناشی از ادغام ضعیف در بازارهای مالی خارجی است؟
مرحله دوم: فرضیه‌های رشد؛

در این مرحله، چند فرضیه درباره محدودیت دست‌وپاگیر برای رشد پیشنهاد می‌شود.

مرحله سوم: تشخیص تنگناهای رشد.

بررسی فرضیه‌ها با شواهد مستقیم و غیرمستقیم برای یافتن دست‌وپاگیرترین محدودیت‌های رشد براساس معیارهای چهارگانه. شواهد غیرمستقیم: رابطه، رشوه، رشد نهادهای مالی خصوصی، مکانیسم‌های غیررسمی و....

مرحله چهارم: ارائه سیاست‌های رشد برای رفع یا تخفیف موانع دست‌وپاگیر برای رشد اقتصادی.

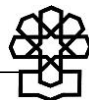
از سال ۲۰۱۴، تنظیم «چارچوب مشارکت با کشور»^۱ بانک جهانی براساس مطالعه «آسیب‌شناسی سیستمی کشور»^۲ است که برای همه کشورهای عضو متقاضی وام یا خدمات توسعه‌ای تهیه می‌شود و اساس برنامه چندساله همکاری بانک جهانی با کشورهاست. از سرگیری همکاری جمهوری اسلامی ایران با بانک جهانی، مستلزم تهیه همین گزارش است.

مهمترین محتویات گزارش آسیب‌شناسی سیستمی رشد هر کشور توسط بانک جهانی عبارتند از:

الف) مسائل و چالش‌های کشور برای دستیابی به اهداف توسعه کشور کدامند؟ (تبیین وضع موجود)

1. Country Partnership Framework (CPF)

2. Systemic Country Diagnostics (SCD)



ب) عوامل مهم به جلو برنده رشد و «محدودیت‌های» رشد کشور کدامند؟

ج) عوامل مهم تعیین کننده «فراگیری» رشد و کاهش فقر کدامند؟

د) چقدر الگوی کنونی رشد، توزیع و کاهش فقر، از لحاظ زیست محیطی، اجتماعی

و بودجه‌ای، «پایدار» است؟

ه) ارائه مجموعه‌ای از «اولویت‌ها» یا زمینه‌های تمرکز کشور به منظور حداکثرسازی

پیشرفت به سوی اهداف رشد و توسعه کشور^۱

۴. تجربه چند کشور در بررسی آسیب‌شناسی رشد

الف) مغولستان: مغولستان دارای اقتصادی غنی از نظر منابع است. از روش آسیب‌شناسی رشد، برای شناسایی محدودیت‌های دست‌وپاگیر برای رشد بخش خصوصی در مغولستان استفاده شده است. هر چند مغولستان به دلیل غنای منابع، دارای محدودیت نقدینگی نیست، اما رشد اقتصادی دارای پایه محدودی است (رشد، فراگیر نیست). سرمایه‌گذاری به طور عمده در تعداد محدودی از شرکت‌های فعال در استخراج معادن و ساخت‌وساز، متمرکز شده است. سطح پایین سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در بخش‌های خارج از استخراج معادن و ساخت‌وساز، به دلیل بازدهی پایین است. بازدهی پایین سرمایه‌گذاری خصوصی، ناشی از خدمات حمل‌ونقل پرهزینه و غیرقابل اتکا، رویه‌های حمل‌ونقل طولانی و پیچیده، از جمله قواعد تجاری و گمرکی، مالیات مختل کننده، ناتوانی در هماهنگی، در سطح داخلی و بین‌المللی و فساد مالی در حال رشد است. واسطه‌گری مالی ضعیف نیز یک مشکل در اقتصاد مغولستان است که هزینه تأمین مالی را بالا نگه داشته است. کاهش

1. World Bank, (2012), "Growth Diagnostic Studies", PREM Network

این محدودیت‌های دست‌وپاگیر می‌تواند اطمینان ایجاد کند که مغولستان به مسیر رشد پایدار و با پایه گسترده دست پیدا کند.^۱

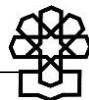
ب) برزیل: نتیجه به‌کارگیری روش آسیب‌شناسی رشد در اقتصاد برزیل آن بود که سرمایه‌گذاری پایین بخش خصوصی، ناشی از هزینه بالای سرمایه است. برزیل نیازمند افزایش پس‌انداز داخلی و افزایش دسترسی به منابع خارجی است. تا زمانی که تقاضای پایین سرمایه‌گذاری یک مسئله نیست، بهبود «فضای سرمایه‌گذاری» چندان مؤثر نخواهد بود. بنابراین باید به طریقی تقاضای سرمایه‌گذاری افزایش یابد و دسترسی به منابع مالی ارزان‌تر می‌تواند تقاضای سرمایه‌گذاری در اقتصاد برزیل را افزایش دهد.^۲

ج) السالوادور: نتیجه به‌کارگیری روش آسیب‌شناسی رشد در اقتصاد السالوادور آن بود که تقاضای پایین سرمایه‌گذاری توسط بخش خصوصی، ناشی از انگیزه پایین «خودکشی» است. اقتصاد السالوادور نیازمند یافتن فرصت‌های جدید سرمایه‌گذاری با بازدهی بالا است. تا زمانی که محدودیت اقتصاد، قابلیت تصاحب پایین بازدهی سرمایه‌گذاری است، فرصت‌های جدید سرمایه‌گذاری با بازدهی بالا و خودکشی پدید نمی‌آید.^۳ مقصود از «خود-کشی»، فرآیند «کشف فعالیت‌های اقتصادی سودآور» در یک کشور است. هاسمن و رودریک در مقاله سال ۲۰۰۳ خود نشان دادند که رشد اقتصادی وقتی به‌دست می‌آید که علاوه بر وجود فناوری روزآمد و نهادهای اقتصادی خوب، «کارآفرینان کشور بدانند که چه فعالیت‌های اقتصادی جدیدی می‌تواند سودآور باشد». به عبارت دیگر خود-کشی کافی وجود داشته باشد. «انجام خودکشی» توسط «کارآفرینان

1. Elena Ianchovichina and Sudarashan Goopta, (2007), "Growth Diagnostics for a Resource-Rich Transition Economy: The case of Mongolia", policy Research working paper, No. 4396, World Bank Publication.

2. Dani Rodrik, (2013), "The Why and How of Growth Diagnostics", p.28.

3. Dani Rodrik, (2013), "The Why and How of Growth Diagnostics", p.28.



نوآور» که منابع خود را در زمینه‌های نوآورانه سرمایه‌گذاری می‌کنند، پرهزینه است. فرآیند «خودکشفی» می‌تواند با مساعدت دولت انجام شود. در اقتصادی که مثلاً در صنایع کاربر مزیت دارد، خودکشفی می‌گوید که چه خط تولید صنعت کاربری را ایجاد کند، چه تکنیکی استفاده کند و ... تا فعالیت سودآوری باشد.^۱ در این صورت با مساعدت دولت در خود-کشفی، منافع آن عاید تمام کارآفرینان نوآور کشور می‌شود و بدون صرف هزینه، می‌توانند فعالیت‌های سودآور را بشناسند. این اقدام دولت، «اثر جانبی مثبت»^۲ دارد و می‌تواند به نوآوری و رشد بیشتر در کشور منجر شود. بنابراین دولت می‌تواند سیاست‌های اقتصادی اجرا کند که خود-کشفی را توسعه دهد. در مطالعه دیگری، هاسمن، رودریک و هوانگ نشان دادند که «کشف محصولاتی که بهره‌وری بالا دارند» و می‌تواند «به طور سودآوری در کشور تولید شود»، می‌تواند مجموعه کالاهای صادراتی کشور را بهبود بخشد و در نتیجه، رشد اقتصادی بالاتری برای کشور به ارمغان آورد.^۳

(د) **گرجستان:** کاربرد آسیب‌شناسی رشد در اقتصاد گرجستان، برای شناسایی محدودیت‌های دست‌وپاگیر در رشد اقتصادی این کشور، نشان داد که سرمایه انسانی و زیرساخت‌های جاده و فقدان حقوق مالکیت، محدودیت‌های دست‌وپاگیر در رشد اقتصادی گرجستان است. اما بررسی نشان داد که فقدان حقوق مالکیت، بعید است که ریسک سلب مالکیت را در گرجستان به دنبال داشته باشد. در عوض، فقدان حقوق مالکیت، به عنوان محدودیت دست‌وپاگیر، باید به طور گسترده تفسیر شود و موضوعاتی مانند ثبات سیاسی

1. Hausmann, Ricardo and Rodrick, Dani, (2003), "Economic Development as self-discovery", Journal of Development Economics, 72, pp.603-633.

2. Positive Externality

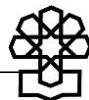
3. Hausmann, Ricardo; Hwang, Jason; Rodrik, Dani (2007). "What you export matters", Journal of Economic Growth 12: 1-25.

و نهادی، درگیری‌های منطقه‌ای، حاکمیت قانون و استقلال قضایی را شامل شود تا گستره مشکل حقوق مالکیت به عنوان محدودیت دست‌وپاگیر، درک شود.^۱

ه) پاکستان: کاربرد آسیب‌شناسی رشد در اقتصاد پاکستان برای شناسایی محدودیت‌های دست‌وپاگیر در رشد اقتصادی این کشور نشان داد که دسترسی محدود به تأمین مالی، بازدهی پایین فعالیت‌های اقتصادی و قابلیت تصاحب پایین بازدهی، محدودیت‌های دست‌وپاگیر برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و رشد اقتصادی در اقتصاد پاکستان را تشکیل می‌دهد. اگر چه پایین بودن فراگیری مالی، واسطه‌گری مالی ضعیف، و تشکیل سرمایه انسانی پایین، دغدغه‌های جدی برای رشد اقتصادی در اقتصاد پاکستان هستند، اما محدودیت‌های دست‌وپاگیر در رشد اقتصادی پایدار تلقی نمی‌شوند. به‌طور مشابه، کمبود برق، حاکمیت ضعیف نظم و قانون و نگرانی‌های مربوط به ناامنی، محدودیت‌های رشد اقتصادی هستند، اما همه این مشکلات ناشی از کیفیت نهادی ضعیف و حکمرانی بد است. محدودیت‌های بسیار مهم در مورد پاکستان مواردی هستند که چارچوب آسیب‌شناسی رشد آنها را «ریسک‌های در سطح خرد»^۲ می‌نامد، مانند حقوق مالکیت ضعیف، فساد مالی و غیره. نتیجه این مطالعه این است که درواقع، نهادهای ضعیف و حکمرانی ضعیف، محدودیت‌های دست‌وپاگیر برای رشد اقتصادی در پاکستان هستند. پاکستان باید سیستم قضایی خود را ترمیم کند تا حقوق مالکیت و قراردادها تقویت شود. پاکستان همچنین باید اصلاحات ساختاری برای بهبود کارکرد نهادها و حکمرانی معرفی کند. بخش خصوصی و بخش دولتی نیاز به همکاری برای بهبود بهره‌وری دارند. اصلاحات

1. Yaroslava Babych and Michael Fuenfzig, (2012), "An Application of the Growth Diagnostics Framework: The Case of Georgia", in: <https://ideas.repec.org/p/tbs/wpaper/12-001.html>

2. Micro-risks



یادشده نه تنها قابل انجام هستند، بلکه برای شروع رشد اقتصادی، مطلوب هستند.^۱

(و) بولیوی: در اواخر دهه ۱۹۹۰، بولیوی یکسری اصلاحات اقتصادی انجام داد. در نتیجه رشد اقتصادی بولیوی به طور متوسط سالیانه ۴/۵ درصد در طول اواسط دهه ۱۹۹۰ رسید. در نتیجه شوک‌های خارجی و داخلی، رشد به طور ناگهانی به ۲ درصد در طول سال‌های ۱۹۹۹-۲۰۰۰ کاهش یافت. کشف ذخایر جدید گاز و احداث خط لوله جدید برای انتقال گاز به برزیل باعث حفظ نرخ رشد مثبت شد. اما عملکرد رشد بولیوی طی دهه ۱۹۹۰ و دهه ۲۰۰۰ پایین بود. لذا این مطالعه به دنبال شناسایی محدودیت‌های دست‌وپاگیر در رشد اقتصادی بولیوی بود.

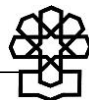
نتیجه به‌کارگیری روش آسیب‌شناسی رشد برای شناسایی محدودیت‌های دست‌وپاگیر رشد اقتصادی در بولیوی این بود که ریسک بالای تصاحب بازدهی ناشی از ریسک‌های خرد و کلان است که در نرخ بهره بالا، موجودی انبار بالا، دلاری شدن، خروج سرمایه و فرار مغزها منعکس شده است. منابع نااطمینانی و ایجاد این ریسک‌ها عبارتند از: شکنندگی بودجه‌ای و بخش مالی در شرایط بدهی دلاری بالای شرکت‌ها؛ اجرای ضعیف قراردادها؛ قانون ورشکستگی ضعیف که اجازه خروج سریع شرکت‌ها را نمی‌دهد و تمرکز بالا در محصولات و بازارهای صادراتی که تعدیل سریع در مقابل شوک‌ها را امکانپذیر نمی‌سازد. تحلیل مقدماتی نشان می‌دهد که فقدان نوآوری، یک محدودیت دست‌وپاگیر نیست و میزان نوآوری متناسب با درآمد سرانه بولیوی است. آسیب‌پذیری بخش مالی و بودجه بولیوی، نتیجه سیاست‌های غیرقابل پیش‌بینی و نهادهای ضعیف بوده است و این به نوبه خود، نتیجه مشکلات ریشه‌دار سیاسی و اجتماعی است که عمیق‌تر

1. Jamil Nasir,(2015),” Pakistan: Growth Diagnostics”, Criterion Quarterly, vol.10,No.2,p.1.

شده است. نااطمینانی سیاسی و اجرای ضعیف حقوق مالکیت از سال ۲۰۰۳، بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران خارجی را دلسرد کرده است.

اوضاع بخش مالی و وضعیت بودجه شکننده، باعث تهدید ثبات نرخ ارز و نرخ بهره و در نتیجه سودآوری شرکت‌ها شده است. ریسک بالایی قابلیت تصاحب بازدهی خصوصی در بولیوی، ممکن است اثر منفی مستقیم بر رشد داشته باشد و این تصور را ایجاد کند که بولیوی، اقتصادی با محوریت بخش عمومی است، بدین ترتیب که بازار واقعاً، باز نیست، در نتیجه مانع رشد بنگاه‌ها و تازه‌واردان است. این همچنین می‌تواند مانع نوآوری و تنوع صادرات شود. بولیوی دارای تمرکز بالایی در صادرات منطقه است و باعث شده اقتصاد این کشور، آسیب‌پذیر در مقابل شوک باشد.

براساس این مطالعه، این فرضیه که زیرساخت و آموزش، محدودیت دست‌وپاگیر هستند، رد می‌شود. زیرا هر چند تعمیر و نگهداری جاده‌ها ضعیف است ولی چندین فرصت سرمایه‌گذاری بالقوه در حمل‌ونقل، با نرخ بالایی بازدهی وجود دارد. ازسوی دیگر، با توجه به مهاجرت کارگران به خارج از کشور که به دنبال فرصت‌های شغلی بهتر هستند، این احتمال وجود دارد که بهبود آموزشی، به جای نرخ رشد، میزان مهاجرت را تسریع کند. افزایش فرار مغزها همراه با خروج سرمایه بخش خصوصی، عاملی بازدارنده در توسعه کسب‌وکار بولیوی، به ویژه ظرفیت مدیریتی و نوآوری است. افزون بر آن نتیجه بررسی آن بوده است که نمی‌توانیم هزینه‌های بالای تأمین مالی را محدودیت دست‌وپاگیر برای رشد در بولیوی بدانیم. در زمان بررسی، نرخ بهره پایین است، زیرا نقدینگی بانک‌ها بالاست و تقاضای وام برای بخش مولد ریسک‌گریز، پایین است. ازاین‌رو، نرخ بهره به این نتیجه‌گیری کمک محدودی می‌کند که کمیابی اعتبار، یک محدودیت دست‌وپاگیر است.



تحلیل بیشتری مورد نیاز است برای ارزیابی اینکه آیا می‌توانیم این فرضیه را رد کنیم که هزینه‌های غیردستمزدی بالای نیروی کار، محدودیت دست‌وپاگیر است. با این حال، نمی‌توانیم این فرضیه را رد کنیم که هزینه‌های غیردستمزدی بالا، مانع کسب و کار جدید و غیررسمی شدن فعالیت‌هاست. کاهش ریسک قابلیت تصاحب، نیازمند قواعد روشن و منسجم در بخش دولتی است. همچنین مستلزم آن است که نهادها از واردشوندگان جدید، اجرای قرارداد و احترام حقوق مالکیت، حمایت کنند. نهادهای قوی در ثبات اقتصاد کلان و رشد اقتصادی، نقش دارند.^۱

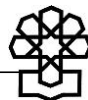
ز) **پرو:** نتیجه به‌کارگیری روش آسیب‌شناسی رشد در پرو آن است که هر چند پرو در سال‌های اخیر نرخ بالای رشد اقتصادی را تجربه کرده است، این رشد در واقع بازیابی از فروپاشی قابل توجه و مستمر رشدی بوده است که از دهه ۱۹۷۰ آغاز شده است. کاهش شدید رشد، ناشی از کاهش درآمد حاصل از صادرات (که نتیجه کاهش قیمت‌های بین‌المللی و سرمایه‌گذاری ناکافی در فعالیت‌های صادراتی است)، منجر به کاهش در سهم بازار شده است. این وضعیت منجر به عدم توازن در موازنه پرداخت‌ها، بحران مالی و بودجه‌ای، همراه با ابرتورم و خشونت شد، اما این مسائل در دهه ۱۹۹۰ اصلاح شد. با این حال، تحول بخش صادرات بسیار اندک بود و فعالیت بخش انرژی و معدن کاهش یافت، همان بخش‌هایی که در بازیابی صادرات (به سطحی که درآمد سرانه واقعی مشابه درآمد سرانه ۳۰ سال پیش است) پیشگام بودند. عدم تحول ساختاری همراه با موقعیت ضعیف مرتبط با فضای محصول، نارسایی در هماهنگی برای پیدایش فعالیت جدید را تشدید می‌کند. علاوه بر این، بسته صادراتی پرو، بسیار سرمایه‌بر است و مشاغل اندکی

1. Sara Calvo , (2006), "Applying the Growth Diagnostics Approach: the Case of Bolivia", The World Bank Report, No. 32233.

ایجاد می‌کند، به‌ویژه در مناطق شهری که در آن بخش عمده‌ای از نیروی کار وجود دارد که مزایای رفاهی رشد کنونی را محدود می‌کند. توصیه اصلی سیاستی این است که بخش عمومی باید توسعه فعالیت‌های صادراتی جدید را تشویق کند که از منابع انسانی کشور بهتر استفاده می‌کند. این شامل سیاست‌های کلان برای دستیابی به نرخ واقعی ارزش رقابتی، بهبود در ظرفیت حل نارسایی در هماهنگی در تدارک داده‌های بخش عمومی و برنامه‌هایی برای تحریک سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های جدید قابل تجارت است.^۱

ح) **نیکاراگوئه:** نیکاراگوئه از زمان بحران اقتصادی این کشور طی سال‌های ۱۹۷۸ تا ۱۹۹۴، یکی از پایین‌ترین میزان رشد اقتصادی را در قاره آمریکا داشته است. کاربرد روش آسیب‌شناسی رشد در نیکاراگوئه، نشان می‌دهد که محدودیت دست‌وپاگیر برای رشد، بازدهی پایین فعالیت‌های اقتصادی است. نتیجه این بررسی حاکی از آن است که به‌دلیل مزایای استراتژیک نیکاراگوئه، موقعیت جغرافیایی، محدودیت رشد برای نیکاراگوئه نیست. نیکاراگوئه، دارای اقتصاد غنی از نظر منابع است. اما دارای کمبود منابع انسانی به‌دلیل سطح پایین آموزش نیروی کار است. تدارک پایین کالاهای عمومی مانند زیرساخت‌های حمل‌ونقل، دسترسی به برق، آب و سیستم فاضلاب، وجود دارد، ولی بخش برق، ناکارآمد است و تلفات بالای انتقال و توزیع برق، نرخ تعرفه بالا و نوسانات قیمت برق ایجاد کرده است. نیکاراگوئه دارای وضعیت مالی شکننده و آسیب‌پذیر است. نیکاراگوئه گرفتار کسری بودجه مزمن و بدهی خارجی رو به رشد، شده است. یکی دیگر از نارسایی‌های دولت، نهادهای ضعیف و فساد مالی است که اعتبار سیاست‌های دولت را از بین می‌برد و سرمایه‌گذاری را تضعیف می‌کند. نارسایی بازار، محدودیت دیگر در رشد اقتصادی

1. Ricardo Hausmann and Bailey Klinger, (2008), "Growth Diagnostics in Peru", Center for International Development, Harvard University, Working Paper No. 181.



نیکاراگوئه است. ساختار صادراتی، تنوع اندکی دارد، به گونه‌ای که صادرات مواد غذایی و مواد خام، بیش از نود درصد صادرات سال ۲۰۱۱ نیکاراگوئه را تشکیل داده است. همچنین نتیجه بررسی آن بود که هزینه‌های بالای تأمین مالی، یک محدودیت دست‌وپاگیر در اقتصاد نیکاراگوئه نیست، زیرا نیکاراگوئه مقادیر زیادی منابع خارجی و وام، با نرخ‌های پایین‌تر از نرخ بازار دریافت می‌کند.^۱

۵. آسیب‌شناسی رشد: مزایا و چالش‌ها

مزایای روش آسیب‌شناسی رشد

الف) مهمترین مزیت روش آسیب‌شناسی رشد این است که به تصمیم‌گیرندگان و سیاستگذاران رشد، کمک می‌کند تا به شناسایی و رفع تنگنای رشد بپردازند. این روش، به سیاستگذاران رشد می‌گوید که همه محدودیت‌های رشد، یکسان نیستند و نباید در انبوهی از محدودیت‌های رشد، مستأصل شد که کدامیک برای اصلاحات اولویت دارد. کافی است محدودیت‌هایی را برگزید که دست‌وپاگیر هستند و از طریق درخت تصمیم، آنها را شناسایی کرد.

ب) مزیت دیگر روش آسیب‌شناسی رشد این است که به تصمیم‌گیرندگان و سیاستگذاران رشد کمک می‌کند تا درمان‌های لازم برای رفع محدودیت‌های دست‌وپاگیر را در سیاست‌های خود در نظر بگیرند، به‌جای اینکه صرفاً به انباشت سرمایه و افزایش مهارت‌های انسانی و

1. Vargas, Óscar; García, Lupe; Ramos, María,(2013),” GROWTH DIAGNOSTIC FRAMEWORK: CASE STUDY OF NICARAGUA”, Investigación Administrativa. jul/dec2013, Issue 112, pp.47-48.

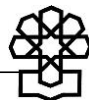
ارتقای بهره‌وری بپردازند و انتظار داشته باشند که رشد اقتصادی محقق شود.

ج) افزون‌بر آن، روش آسیب‌شناسی رشد، این مزیت را دارد که برای این پرسش مکرر کشورهای در حال توسعه که چرا به رغم انباشت سرمایه فیزیکی و انسانی، رشد بالا و مستمر، به دست نمی‌آید؟ پاسخ عملگرایانه‌ای می‌دهد. به‌جای اینکه مانند نظریه‌های مرسوم رشد بگوید که سرمایه فیزیکی و انسانی بیشتری انباشت کنید، می‌گوید که «گیرهای رشد» و «تنگناهای رشد» را شناسایی و رفع کنید، آنگاه پتانسیل رشد اقتصادی، آزاد می‌شود.

د) مزیت دیگر آسیب‌شناسی رشد این است که براساس الگوی رشد درونزا است و سرمایه‌گذاری خصوصی و کارآفرینی را محرک اصلی افزایش رشد و سطح پایین سرمایه‌گذاری خصوصی و کارآفرینی را چالش اصلی رشد می‌داند. به همین دلیل سرمایه‌گذاری و کارآفرینی را در بالای درخت تصمیم قرار داده است. این حاکی از آن است که سرمایه‌گذاری خصوصی را موتور رشد در کشورهای در حال توسعه می‌داند که با افزایش بازدهی و ایجاد سود برای آن، به وجود می‌آید.

ه) بُعد مثبت دیگر آسیب‌شناسی رشد، این است که برای شناسایی محدودیت‌های دست‌وپاگیر در اقتصادهای دچار کم‌رشدی، طراحی شده است. از این‌رو می‌تواند در ایجاد رشد، نقش مؤثری ایفا کند.

و) سرانجام اینکه اقتضائات رشد هر کشور را در نظر می‌گیرد. زیرا از بررسی کشوری شروع می‌کند و به دنبال یافتن تنگناهای رشد هر کشور است. از این‌رو آسیب‌شناسی و تجویز خاص، برای رشد هر کشور انجام می‌دهد. درحالی که رویکرد نظریات رشد، بدون شناسایی تنگناها، فرض می‌کند هیچ تنگنایی برای رشد اقتصادی وجود ندارد و روابط کلی و قیاسی برای به‌کارگیری عوامل مؤثر بر رشد ارائه می‌کند و آن را قابل کاربرد در تمام کشورها می‌داند.



چالش‌های روش آسیب‌شناسی رشد

در ارزیابی این روش، چالش‌های زیر ذکر شده است:

الف) شناسایی محدودیت‌های دست‌وپاگیر، متکی بر نظر و قضاوت تحلیلگر است (سارتور، ۲۰۰۷: ۱۲ و لپی‌یگر و زاگا، ۲۰۰۶: ۲).

ب) آسیب‌شناسی رشد یک مسئله برنامه‌ریزی غیرخطی است که ممکن است مستلزم بیش از یک راه‌حل (محدودیت دست‌وپاگیر) باشد. هم تابع و هم محدودیت‌ها، کاملاً غیرخطی هستند و به همین دلیل پرداختن به یک محدودیت در یک زمان معمولاً یک راه ناکارآمد برای حداکثرسازی آن تابع است (رودریگز، ۲۰۰۵: ۳).

پاسخ هاسمن، کلینگر و واگنر این است که همه محدودیت‌ها به یک اندازه مهم نیستند و لذا تمرکز بر محدودیت‌هایی است که بیشترین اثر مستقیم را دارند. از این‌رو می‌تواند بیش از یک محدودیت باشد که باید رفع شود یا تخفیف پیدا کند (۲۰۰۸: ۲۴).

جفری ساکس نیز می‌گوید که در کشورهای در حال توسعه برای ایجاد تغییر بزرگ باید بر چند محدودیت دست‌وپاگیر متمرکز شد و نباید تنها یک محدودیت دست‌وپاگیر را مورد توجه قرار داد (به نقل از ساتور، ۲۰۰۷: ۱۹).

رودریک (۲۰۱۰: ۳۷) پاسخ می‌دهد که کشورهایی در رشد موفق هستند که به‌طور پی در پی مهمترین محدودیت‌های رشد را شناسایی می‌کنند و آنها را با درمان‌های مناسب داخلی، رفع کنند.

ج) اگر قیمت سایه یک منبع، بالا باشد، در آسیب‌شناسی رشد گفته می‌شود که این منبع، محدودیت برای رشد است. اما در شرایطی که چند اختلال وجود داشته باشد، علائم قیمتی احتمالاً شاخص‌های ناکافی برای انعکاس کمیابی نسبی هستند. هاسمن، کلینگر و واگنر (۲۰۰۸) توصیه کردند که «علائم غیرقیمتی» را نیز در نظر بگیریم. زیرا محدودیت

دست‌وپاگیر عموماً منجر به فعالیت‌ها و ترتیباتی می‌شود که برای دور زدن محدودیت انجام می‌شود.

د) چالش دیگر روش آسیب‌شناسی رشد، ماهیت ایستایی آن است، درحالی‌که توسعه، یک فرآیند پویاست. این روش نمی‌گوید که وقتی با محدودیت‌های دست‌وپاگیر مقابله شد و اقتصاد شروع به رشد کرد، چگونه با محدودیت‌های دست‌وپاگیر بالقوه در آینده مواجه شویم؟ آسیب‌شناسی رشد بر محدودیت‌هایی متمرکز می‌شود که در زمان تحلیل، دست‌وپاگیر است، اما این لزوماً برای آینده صدق نمی‌کند. بر این اساس، فیلیپ و یوسوی (۲۰۰۸: ۱۵) می‌گویند که به همین دلیل این روش برای شناسایی اصلاحات نهادی که می‌تواند رشد در میان‌مدت و بلندمدت را تداوم بخشد، مناسب نیست.

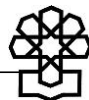
ه) آسیب‌شناسی یک بیمار و درمان وی، دو چالش متفاوت است. چگونه می‌توان نتایج آسیب‌شناسی رشد را به گزینه‌هایی برای سیاست‌گذاران جهت علاج، تبدیل کرد؟ «درمان‌شناسی رشد»^۱ خود نیازمند ارزیابی ظرفیت یک کشور برای اجرای اصلاحات است که در این روش بدان پرداخته نشده است.^۲

نتیجه‌گیری و ضرورت آسیب‌شناسی رشد در برنامه ششم

یکی از تنگناهای مزمن اقتصاد ایران، پایین بودن رشد سرمایه‌گذاری و رشد تولید است که باعث ایجاد درآمد اندک شده و بیکاری و فقر را گسترش داده است. عملکرد رشد اقتصادی

1. Growth Therapeutics

2. Harald Habermann and Pablo padrutt, (2011), "Growth Diagnostics: Strengths and weaknesses of a creative Analytical framework to Identify Economic Growth constraints in Developing countries", journal of knowledge, Management, Economics and Information Technology, issue 7, pp. 1-22



در اقتصاد ایران تنها در برخی مقاطع و به صورت موقت، بالا بوده و به سرعت به مسیر رشد پایین بازگشته است. در دوره برنامه پنجم توسعه، متوسط نرخ رشد سالیانه اقتصاد ملی که در بلندمدت عامل تعیین کننده سطح درآمد سرانه و رفاه آحاد جامعه به شمار می رود کمتر از صفر برآورد می شود. این درحالی است که هدفگذاری سیاست های کلی برنامه پنجم و برنامه ششم، متوسط نرخ رشد ۸ درصد را به عنوان الزام مطرح ساخته است.

همان طور که در این گزارش ملاحظه شد، با تکیه بر رویکرد آسیب شناسی رشد می توانیم تنگنای رشد را شناسایی کنیم و براساس آن اولویت های رشد را تعیین کنیم تا رشد را ایجاد کرده و بیکاری و فقر را کاهش دهیم. با توجه به بررسی سه روش شناسایی عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی در برنامه ششم، پیشنهاد می شود مطالعه ای در زمینه شناسایی تنگنای رشد اقتصادی در ایران براساس روش محققان هاروارد انجام شود. مطالعه آسیب شناسی رشد می تواند «مکمل» مطالعه عوامل مؤثر بر رشد باشد و «اولویت های» برنامه ششم توسعه را مشخص تر کند. تحول ساختار اقتصاد و رفع تنگنای رشد اقتصادی، از طریق آسیب شناسی رشد، دستیابی به رشد هشت درصد در برنامه ششم را محتمل تر می سازد. در مقابل، تجربه رشد پایین اقتصاد ایران در بلندمدت نشان از ضعف های ساختاری و غفلت های مستمر سیاست گذاران به رفع موانع رشد دارد. اگر از موتوری که به نحو سنتی رانندمانی پایین داشته (نرخ رشد حدود ۲/۱ درصد در بازه چهل سال اخیر) انتظار داشته باشیم که طی سال های برنامه ششم توسعه، جهشی در رانندمان خود (تا حد نرخ رشد هشت درصد) را تجربه کند، این امر بدون آسیب شناسی رشد و تحول مسیرهای پیشین میسر نخواهد شد. درواقع تداوم بی تفاوتی نسبت به الزامات رشد بالا (که در اسناد منتشره برنامه ششم توسعه ردپایی از تحول به چشم نمی خورد)، موجب می شود از اکنون نسبت به تحقق هدف مندرج برای نرخ رشد اقتصاد خوش بینی ابراز نکنیم.

منابع و مأخذ

1. Hausmann, Ricardo, Bailey Klinger and Rodrigo Wagner,(2008),”Doing Growth Diagnostics in practice: A Mind book”, Center for International Development at Harvard University, working paper No.177.
2. Hausmann, Ricardo,Dani Roderick and Andres Velasco,(2005)”Growth Diagnostics”, In: growth lab.cid.harvard.edu/files/growth-diagnostics.pdf
3. Herald Habermann and Pablo padrutt,(2011),”Growth Diagnostics: Strengths and weaknesses of a creative analytical framework to Identify economic growth constraints in developing countries”, journal of knowledge Management, Economics and information Technology,issue7
4. Rodrik, Danni, (2010),”Diagnostics before prescription”, journal of Economic perspectives, Vol.24, No.3, summer.
5. Rodrik, Danni,(2013),”The why and how of growth Diagnostics”, Institute for advanced study, in: www. sss. ias. Edu / files / pdfs / presentations/growth-diagnostics.pdf
6. World Bank,(2012),”Growth Diagnostic studies”,PREM Network, in:Worldbank.org/website/External/Extaboutus/organization
7. Elena Ianchovichina and Sudarashan Goopta,(2007),”Growth Diagnostics for a Resource-Rich Transition Economy: The case of Mongolia”, policy Research working paper, No. 4396,World Bank Publication.
8. Aghion, philippe.&Durlauf,Steven,(2009),”From Growth Theory to Policy Design”, Commission on Growth and Development, Working Paper No.57, International Bank for Reconstruction and Development, World Bank, Washington DC.
9. Felipe,J.& Usui,N.(2008), “Rethinking the Growth Diagnostics Approach: Questions from the practitioners” ,ADB Economics Working Paper series,No.132, Asian Development Bank.



10. Leipziger,D.&Zagha,R.(2006),”Getting Out of the Rut”, Finance and Development, International Monetary Fund,Vol.43,no.1.
11. Rodriguez,F.(2005),”Comment on Hausmann and Rodrik”,Available at:http://frodriguez.web.wesleyan.edu/docs/academic_english/comments_hausmann_rodrik.pdf
12. Rodrik,D.(2007),”One Economics, Many Recipes: Globalization ,Institutions and Economic Growth”, Princeton University press, Princeton.
13. Sartor,O.(2007),”An Outline and Critique of Growth Diagnostics as a Response to the policy Vacuum Left by the Washington Consensus”, Seminar Paper in Development Economics, Institute of Public Economics, Humboldt University, Berlin.
14. Hausmann, Ricardo; Hwang, Jason; Rodrik, Dani (2007). "What you export matters" , Journal of Economic Growth, 12.
15. Nasir, Jamil ,(2015),” Pakistan: Growth Diagnostics”, Criterion Quarterly, vol.10,No.2
16. Sara Calvo , (2006),“Applying the Growth Diagnostics Approach: the Case of Bolivia", The World Bank Report,No.32233
17. Ricardo Hausmann and Bailey Klinger,(2008),” Growth Diagnostics in Peru”, Center for International Development ,Harvard University, Working Paper No. 181.
18. Yaroslava Babych and Michael Fuenfzig, (2012),” An Application of the Growth Diagnostics Framework: The Case of Georgia”, in: <https://ideas.repec.org/p/tbs/wpaper/12-001.html>
19. Vargas, Óscar; García, Lupe; Ramos, María,(2013),” Growth diagnostic framework: Case study of Nicaragua”, Investigación Administrativa . jul/dec2013, Issue 112.